



سال سوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۹

www.qpjournal.ir

ISSN : 2645-6478

معرفی و بررسی سبکی و محتوایی نسخه‌ی خطی فتنه سالارالدوله

دکتر محمدرضا ضیا^۱

سحرزراع^۲

دکتر مرتضی جعفری^۳

چکیده:

در گذر زمان بخشی از میراث مکتوب این مرز و بوم از هجوم حوادث شوم مصون و در امان نمانده یا برآن گردگمنامی نشسته و جامعه‌ی علمی و پژوهشی را محروم کرده است. نسخه‌ی خطی در مرکز پژوهش‌های آستان حضرت شاه چراغ (ع) موسوم به فتنه‌ی سالارالدوله به شماره‌ی ۲۴۳ ثبت و نگهداری می‌شود؛ که این نسخه‌ی خطی در ۱۲ صفحه، در قالب مثنوی و در ۸۴ بیت توسط شاعری گمنام با تخلص «صحاف» به نظم در آمده است. این مقاله می‌کوشد تا برای نخستین بار ضمن معرفی نسخه‌ی خطی مذکور به بررسی و تحلیل سبکی و محتوایی این مثنوی پردازد. هم‌چنین تقلیدی یا ابتکاری بودن شاعر را نیز روشن ساخته و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

واژگان کلیدی: نسخه‌ی خطی، سالارالدوله، سبک‌شناسی، بررسی محتوا، صحاف.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱. مدرس حق التدریس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) ZiyaMohammadReza@Gmail.Com

^۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد، فیروزآباد، ایران.

^۳. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.



۱. مقدمه:

ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین شاه متولد ۱۲۹۸ق در سال ۱۳۱۵ق به وزارت و پیشکاری حسام الملک حاکم کرمانشاه شد. پس از ورود به محل ماموریت خواست دست اندازی به املاک مردم نماید؛ داد و فریاد مردم بلند شد و شاه او را از حکومت آن جا برکنار نمود. (بامداد، ۱۳۷۱ج: ۲: ۴۸) پس از این که از حکومت کرمانشاه معزول شد در سال ۱۳۱۶ به پیشکاری میرزا محمودخان مدیرالدوله حاکم زنجان شد و سپس به جای عین الدوله به حکومت خوزستان، لرستان، بروجرد و بختیاری منصوب شد. (همان: ۹-۴۸) او در این ایام با دختر نظرعلی خان، والی پشتکوه ازدواج کرد. (گروته، ۱۳۶۹: ۷۳) در سال ۱۳۲۳ق حکومت همدان و کردستان را به او دادند. ابتدا راضی نشد ولی بعد از مدتی موافقت کرد و به کردستان رفت. (مردوخ، ۱۳۵۱: ۲۳۲) به دلیل ظلم و تعدی، عین الدوله او را به تهران احضار کرد. سالارالدوله بعد از برکناری مدتی در اعتراض و نارضایتی به سر برد تا این که دست به شورش زد. در واقع به دنبال ناامنی حاصل از مشروطه خواهی، سالارالدوله نیز به طمع قدرت افتاد. (کسروی، ۱۳۷۰: ۳۶۸) سالارالدوله اوایل سال ۱۳۲۵ق را برای شورش مناسب دانست. او به اتفاق نظرعلی خان تا نهاوند پیش آمد. از آن جا که کار رسیدگی به اردوی سالارالدوله که اکثراً از عشایر و ایلات بودند از نظم مشخصی برخوردار نبود، در طول راه تمام نواحی را غارت کردند. (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۳۰۰) او در اوایل همین سال علیه محمدعلی شاه برادر صلیب خویش قیام کرد. وی قصد داشت که به تهران آمده برادر خود را خلع و خود پادشاه شود. زمانی که شاه متوجه قصد و نیت وی در تصرف تاج و تخت شد؛ ابتدا با تطمیع و تهدید و سپس با وساطت مشروطه خواهانی از قبیل سیدمحمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی سعی کرد سالارالدوله را پشیمان کند. (همان: ۳۰۱) دولت به دنبال این قضایا قشونی را با دو عراده توپ کوهستانی به نهاوند اعزام کرد. شاه و مجلس با جدی گرفتن خطر سالارالدوله در این مرحله سعی کردند که هر چه زودتر شورش را سرکوب کنند زیرا ورود وی به تهران بدون شک برای آنها مشکل ساز بود. (همان: ۳۱۸) میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم که نخست وزیر بود غایله را در مدت کمی فرونشاند و سالارالدوله نیز تحت الحفظ به تهران آورده شد. (بامداد، ۱۳۷۱: ۴۸-۹)

نسخه‌ی خطی مذکور، این غایله را در شعری در قالب مثنوی و در ۸۴ بیت به تصویر کشیده است. این مقاله ضمن معرفی نسخه‌ی خطی مذکور به تحلیل سبکی آن نیز می‌پردازد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش و ضرورت آن:

از آن جایی که تاکنون، این رساله به صورت نسخه‌ی خطی باقی مانده، و در دسترس محققان و پژوهشگران نبوده و درباره‌ی معرفی و سبک شعری آن هیچ کار تحقیقاتی صورت نگرفته؛ پس



تصحیح، معرفی نسخه و تحلیل محتوا و بیان ویژگی‌های سبکی شعر آن از ضرورت‌های پژوهشی است. باشد که این نسخه‌ی خطی و شاعر گمنام آن از این مهجوریت بیرون آمده و شناخته شود.

۳. شیوه‌ی پژوهش:

این پژوهش به شیوه توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. پس از تصحیح نسخه‌ی خطی، موارد برجسته شعری آن را که منجر به تشخیص و ویژگی شعری شاعر است را مشخص و در دسته‌بندی متعدد مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

۴. معرفی نسخه خطی:

نسخه خطی منحصربه‌فرد فتنه سالارالدوله به شماره ۲۴۳ در مرکز پژوهش‌ها و کتابخانه شاه چراغ (ع) ثبت و نگهداری می‌شود. این نسخه به خط شکسته نستعلیق است که اشعار و عناوین آن با مرکب سیاه توسط شخصی به نام محمد مهدی ابن محمد صادق همدان الاصل در یکشنبه ۱۴ ذیحجه سال ۱۳۲۵ ق نوشته شده است. در برگ ۲ نسخه ممهور شده، این کتاب به ضمیمه ۹۱ جلد کتاب دیگر خطی از طرف آقای حاج محمدسالکی در تاریخ ۱۸ آبان ۴۴ به کتابخانه آستان مقدس احمدی شاه چراغ (ع) هدیه و وقف گردیده است.

نسخه مذکور دارای ۷ برگ (۱۳ صفحه) که قطع آن ۱۲×۱۰ و وسط مکتوب آن ۱۳×۷ است. تعداد ابیات هر صفحه ۱۳ بیت است که اشعار به صورت چلیپا به تحریر درآمده است. نسخه بدون آرایش و تزیین و اشعار از صفحه دوم که آغاز متن است تا صفحه ۵ در جدول و مابقی بدون فضای جدولی تحریر شده است. هر صفحه دارای رکابه و نسخه به صورت سالم و دارای آغاز و انجام بوده و جلد آن گالینگور سبز است.

آغاز: در صفحه ۲ که آغاز مثنوی است با عبارت بسم الله و بیت زیر شروع می‌شود:

به نام خداوند روزی رسان کنم فاش من شرح این داستان

(برگ ۲ خ)

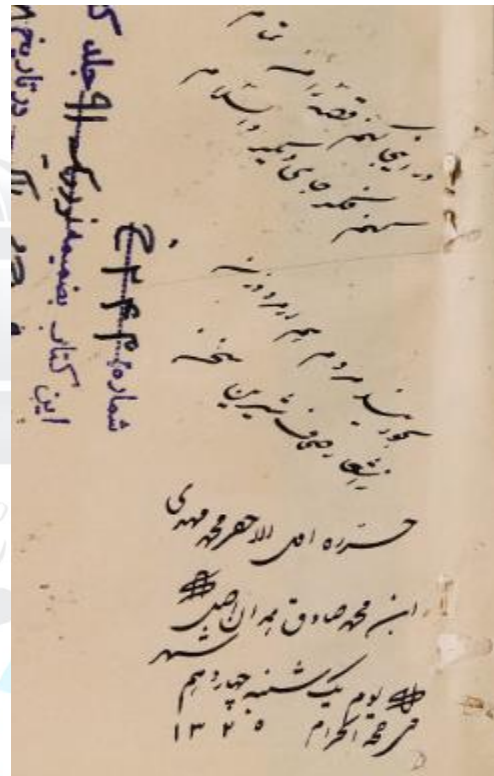


انجام: نسخه مذکور در صفحه ۱۳ با بیت و عبارت زیر پایان می‌یابد:

در این جا کنم قصه را من تمام کنم فکر جای دیگر والسلام
بجویند مردم هم از مرد و زن ز اشعار «صحاف» شیرین سخن
(برگ ۷ ن خ)

حرره اقل الاحقر محمد مهدی ابن محمد صادق همدان الاصل یوم یک شنبه چهاردهم شهر ذی حجه
الحرام ۱۳۲۵

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



نسخه خطی فتنه سالارالدوله در سال ۱۳۸۲ در صفحه ۶۵ جلد سوم از فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی حضرت شاه چراغ (ع) که با همکاری محمدبرکت تهیه و تنظیم شده؛ معرفی گردیده است. (ر، ک برکت، ۱۳۸۲: ۶۵)

۵. ویژگی‌های سبکی نسخه خطی

بحر عروضی مثنوی فتنه سالارالدوله، متقارب «فَعولُنْ فَعولنْ فَعولنْ فَعَلْ» است. ناتل خانلری درباره‌ی کاربرد این وزن می‌گوید: «بحر متقارب به خصوص گونه‌ی مثنی سالم و محذوف آن در زبان فارسی به تناسب عواطف و حالات حماسی، کاربرد بسیاری دارد.» (ناتل خانلری، ۱۳۴۵: ۷۵) اگرچه از لحاظ میزان کاربرد اوزان شعری، بحر متقارب جزء اوزان متوسط کاربرد در زبان است؛ اما در میان کاربرد در گروه مثنوی‌ها اولین وزن است. (وحیدیان، ۱۳۶۷: ۵۵) این وزن، وزنی حماسی است و برای مفاهیم حماسی، اعمال پهلوانی، تفاخر، افتخارات قومی و... مناسب است. حوادث تاریخی عصر قاجاری موجب شکل گرفتن آثار حماسی متعددی هم چون شهنشاه‌نامه‌ی صبای کاشانی شد. شعرای دوره‌ی بازگشت ادبی مقلدانی از سبک و سیاق فردوسی و شاه‌نامه بودند. گاهی این تقلیدها ناشیانه اتفاق می‌افتد که با توجه به شرایط زمانی و پیشرفت‌های حاصل شده به جای شمشیر و تیغ و تیر، از توپ و تفنگ استفاده



کرده‌اند. هرچند به گفته‌ی ذبیح الله صفا تاریخ ادب حماسی گواه آن است که این گونه سروده‌ها و روایت‌های حماسی، در قرون متمادی تکیه گاه هویت ملل مختلف جهان بوده است. (صفا، ۱۳۸۸: ۳)

۵-۱. **سطح فکری:** در بررسی این مثنوی ۸۴ بیتی می‌توان به موضوعات و مضامین ذیل دست یافت:

الف) مدح و ستایش: مدح، به معنی ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی است و شعر مدحی، ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن، سجایای اخلاقی وی را بر می‌شمرد و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند و زبان به بزرگداشت وی می‌گشاید. (رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۱) شاعر در لابه لای این مثنوی ۸۴بیتی در جاهایی که فرصت دست می‌دهد به ستایش و مدح محمدعلی شاه قاجار می‌پردازد:

محمدعلی آن شه عز و جاه
ز رویش خجل گشت خورشید و ماه

مطیع اله و نبی و ولی
شهنشاه ایران محمد علی
(ب/۳۸ن خ)

ب) رزاقی پروردگار:

به نام خداوند روزی رسان
کنم فاش من شرح این داستان
(ب/۱ن خ)

ج) ناپایداری عمر و ترک جفا پیشگی:

حیاتی که بر وی نباشد بقا
نبايد کنی با برادر جفا
(ب/۳۹ن خ)

د) باور به قیامت و پاداش اعمال:

اگر کشته گردد از ایشان کسی
تو هستی مواخذ به محشر بسی
(ب/۳۷ن خ)

ه) کاربرد اصطلاحات و تعابیر عامیانه:

نظر نام او بود کمتر ز زن
نمک خواره بود و نمکدان شکن
(ب/۱۴ن خ)

۵-۲. **سطح زبانی**

۵-۲-۱. **سطح آوایی:** موسیقی شعر را در هر دوره ای مبتنی بر موسیقی جملات و کلام همان عصر می‌دانند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۱) هنگامی که از سطح آوایی سخن گفته می‌شود وزن، موسیقی بیرونی،



موسیقی کناری، جایگاه ردیف و قافیه، موسیقی درونی، صنایع بدیع لفظی و موسیقی معنوی، صنایع بدیع معنوی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. صنایع ادبی که بر زیبایی و تاثیرگذاری کلام می‌افزیند. با بررسی اشعار دوره بازگشت و عصر قاجاری می‌توان دریافت که شعر این دوره به لحاظ موسیقی امتیازی بر دوره‌های پیش از خود ندارد و تقلیدی صرف از آن هاست.

جناس:

اگر در رکاب تو بازیم جان به از شهر یاری ملک جهان

(ب/۱۲ ن خ)

که او می‌کند دعوی تاج و تخت به من حکم بی جا نموده است

سخت

(ب/۲۷ ن خ)

تلمیح:

مرا مرد جنگی دوبار و هزار بود هریکی هم چو اسفندیار

(ب/۴۲ ن خ)

چنان جنگ سختی در آن جا فتاد که رستم به خاطر نمی‌کرد یاد

(ب/۵۳ ن خ)

اغراق:

زگرد سواران فضای جهان

چنان شد که پیدا نشد آسمان

(ب/۵۵ ن خ)

تکرار حروف:

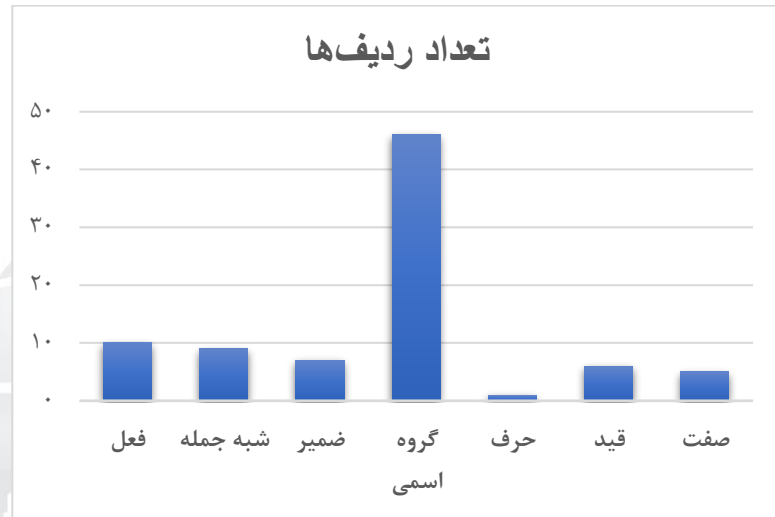
کشیدند صف بر صفی صد هزار همه نر شیران خنجر گذار

(ب/۱۵ ن خ)

سواران و گردان و غولان همه بگفتند شاها شهی بر همه

(ب/۱۰ ن خ)

ردیف: انواع ردیف‌های به کار گرفته شده در مثنوی فتنه سالارالدوله توسط صحاف عبارت‌اند از: فعل، اسم (گروه اسمی)، حرف، قید، ضمیر، صفت و جمله شبهه. آمارهایی که از این ردیف‌ها به دست آمده به شرح ذیل است:



نوع ردیف	فعل	شبه جمله	ضمیر	گروه اسمی	حرف	قید	صفت
تعداد	۱۰	۹	۷	۴۶	۱	۶	۵

۲-۲-۵. سطح لغوی

استعمال لغات عربی: تعجیل، دعوی، مواخذ، محشر و...

سواره به تعجیل و با صد یگان

(ب/۷۷ ن خ)

اگر کشته گردد از ایشان کسی

تو هستی مواخذ به محشر بسی

(ب/۳۶ ن خ)

استفاده از اعداد در ترکیب سازی: چهل، صد، هزار و...

بخوابید شب با چهل صد سوار

چه گردید روز دیگر آشکار

(ب/۷۲ ن خ)

۲-۳-۵. سطح نحوی

برخی نکات املائی:

کاربرد «واو» معدوله:

چو شد باخبر زاین حکایت صفا

به تعجیل برخواست او خود زجا

(ب/۳۳ ن خ)



حذف «ای» نکره یا وحدت پس از کلمات مختوم به «ه» غیر ملفوظ

مگر گشته از خدا بی خبر / غرور جوانی ز سر کن به در

(ب/۳۵ خ)

کاربرد «چه» به جای «چو»:

شهنشه مظفر چه رفت از جهان / بشد وارث تخت و تاج و کیان

(ب/۲ خ)

چه شه باخبر گشت از این بیان / از این حرفها شد به طبعش گران

(ب/۲۹ خ)

استعمال افعال پیشوندی: بگفتند، بگفت، بزد، بگفتا و...

چنین تلگرافی زبهر امیر * بزد بهر آن سرور بی نظیر

(ب/۱۸ خ)

چو بشنید زاین گفت و گوها امیر * رسانید بر آن شه بی نظیر

(ب/۲۸ خ)

کاربرد افعال باستانی: بر آورد، بر آشفتم، برکشید و...

همان دم سپه را برانگیخته / به فوری از آن دشت بگریخته

(ب/۶۲ خ)

کاربرد ابزار جنگی:

به ایشان کنم جنگهای دریغ / دمازی از ایشان درآرم به تیغ

(ب/۷۰ خ)

دویدند یک باره تا پیش صف / گرفتند هریک تفنگی به کف

(ب/۵۰ خ)

کشیدند صف بر صفی صد هزار / همه نر شیران خنجر گذار

(ب/۵۱ خ)

مخفف کردن واژگان:

دویدند مردانه در کارزار / نبودی به هیچ وجه راه فرار

(ب/۴۶ خ)

بدی رحمت الله خان نام او / که شد بر بهشت برین جای او

(ب/۶۹ خ)



آوردن «ب» بر سر کلمات:

زمشرق بمغرب رسید این بیان که احسنت بر این چنین چاکران

(ب/۵۷ ن خ)

سواران سالار شد سرنگون بمیدان کینه روان جوی خون

(ب/۶۱ ن خ)

متصل نویسی نشانه جمع «ها»:

برهنه سر و دستها بردعا برآورده زاری کنان بر خدا

(ب/۴۵ ن خ)

استفاده از وجه کهن بعضی از حروف:

نمودند خالی همی سر به سر ز توپ‌ها نیامد یکی را ضرر

(ب/۶۶ ن خ)

۶. سطح ادبی:

استعاره:

نداری تو با این کسان تاب جنگ که دارد چو آن هریکی صد نهنگ

(ب/۳۶ ن خ)

کشیدند صف بر صفی صدهزار همه نر شیران خنجر گذار

(ب/۵۱ ن خ)

کنایه:

نظر نام او بود کمتر ز زن نمک خواره بود و نمکدان شکن

(ب/۱۴ ن خ)

در آورد وشهزاده را او زراه که داریم هم چون ملخ ما سپاه

(ب/۱۵ ن خ)

تصویر آفرینی:

یکی نعره زد هم چو ابر بهار که لرزید آن بیشه و کوهسار

(ب/۵۴ ن خ)

زگرد سواران فضای جهان چنان شد که پیدا نشد آسمان

(ب/۵۵ ن خ)

مجاز:



اگر او شود سرکش از حکم من / شود عالمی کشته از ظلم من
(ب/۹ن خ)

تناسب:

شهنشه مظفر چه رفت از جهان / بشد وارث تخت و تاج و کیان
(ب/۲ن خ)

سخنوری و تفاخر: مفاخره و خودستایی سخنی است که در آن شاعر و گوینده خود را می‌ستاید و به داشته‌های خود یا خاندان تفاخر می‌کند و می‌نازد. «مفاخره شعری را گویند که شاعر در مراتب فضل و کمال، علو طبع، عزت نفس، شجاعت، سخاوت، افتخارات قومی و خانوادگی و در شرح نسب و کمال خویش سروده است.» (داد، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

بجویند مردم هم از مرد وزن / ز اشعار «صحاف» شیرین سخن
(ب/۸۴ن خ)

۷. نتیجه گیری:

صحاف از شعرای ناشناخته‌ی قرن سیزدهم است که به شیوه‌ی شاعران دوره‌ی بازگشت ادبی به سرودن این مثنوی پرداخته است. درباره‌ی نام و نشان و حیات و ممات او در تذکره‌ها و منابع اطلاعاتی به دست نیامد. نسخه‌ی خطی منحصر به فرد مثنوی ۸۴ بیتی فتنه سالارالدوله از این شاعر به شماره ۲۴۳ در مرکز پژوهش‌های آستان مقدس حضرت شاه چراغ (ع) ثبت و ضبط است. لازم به ذکر است که در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه الغدیر یزد صفحه‌ای از مجموعه اشعاری از شاعری به نام صحاف یزدی (دبستان ادب و گلستان طرب) قرن ۱۴هـ.ق منتشر شده که جز این، اطلاعات دیگری از وی به دست نداده اند. این احتمال وجود دارد که شاعر گمنام نسخه خطی فتنه سالارالدوله همین فرد یا همانم در تخلص باشند.

۱- **سطح فکری:** با توجه به تقلیدی بودن اشعار صحاف نسبت به دوره بازگشت ادبی و الزام به پیروی از مفاهیم این دوره‌ی شعری مضامینی اخلاقی و اعتقادی همانند ظلم ستیزی، اعتقاد به رزاقی خداوند، رعایت حق نمک و نمک خوارگی، باور به قیامت و جزای اعمال، ناپایداری دنیا و ترک جفاپیشگی، قبح و ناپسندی غرور و... شدر شعر او مشاهده می‌شود.

۲- **سطح زبانی:** در سطح زبانی صحاف همچون شاعران دوره‌ی بازگشت کاربرد واژه عربی، افعال باستانی و پیشوندی، مخفف ساختن واژگان و کاربرد وجه کهن حروف در شعر او موجود است.



۳- سطح ادبی: شاعر از آرایه‌های تشبیه، استعاره، جناس، تلمیح، اغراق و... استفاده نموده است. در این میان جناس و انواع آن بسامد بالاتری دارد. تشبیهات حسی به حسی و به تقلید از تصویرآفرینی سبک خراسانی و شاه نامه‌ی فردوسی پرداخته است.



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



منابع

- بامداد، مهدی (۱۳۷۱) شرح رجال ایران، تهران، زوار.
داد، سیما (۱۳۹۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید.
رزمجو، حسین (۱۳۷۴) انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد آستان قدس.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) آشنایی با عروض و قافیه، تهران: فردوس.
صفا، ذبیح الله (۱۳۸۸) حماسه سرایی در ایران، تهران، امیرکبیر.
کسروی، احمد (۱۳۷۰) تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
گروته، هوگو (۱۳۶۹) سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیوند، تهران، نشر مرکز.
مردوخ، شیخ محمد (۱۳۵۱) کرد و کردستان، تهران، غریقی.
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۵) وزن شعر فارسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
نسخه خطی فتنه سالار الدوله. مرکز پژوهش‌های آستان شاهچراغ (ع) به شماره ثبت و نگهداری ۲۴۳
وحیدیان کامکار، تقی (۱۳۷۶) بررسی منشاء وزن شعر فارسی، مشهد، آستان قدس رضوی.



Introducing the style and content of Salar al-dawlah sediton manuscript

Mohammad reza zia¹

Sahar zare²

DR.Morteza jafari³

Review: Over time, part of the written heritage of this border and environment has been protected from the onslaught of sinister events and has not been spared or anonymously sat on it and has deprived the scientific and research community. A manuscript is registered and kept in the research center of Astan Hazrat Shah Cheragh called the sediton of Salar al-Dawlah, number 243; This manuscript has been arranged in 12 pages, in the form of Masnavi and in 84 bits by an anonymous poet with the pseudonym "Sahaf". . It also clarifies whether the poet is imitative or innovative and concludes.

Keywords: Manuscript, Salar al-Dawla, Stylistics, Content review, Binding.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

¹ . Lecturer at Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.//Email: ZiyaMohammadReza@Gmail.Com

² . PhD student in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Firoozabad Branch, Firoozabad, Iran.

³ . Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.